

حقوقی برای رسانه یا رسانه‌ای برای حقوق؟ نقدی بر کتاب «حقوق مالکیت فکری آفرینش‌های رسانه‌ای»

• دکتر پژمان محمدی^۱

دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

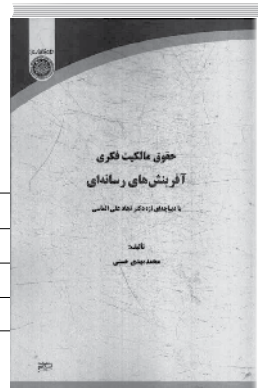
حقوق مولف یا آنگونه که در نظام کامن لا معرفی می‌شود، کپی رایت، سعی دارد از همه دستاوردهای غیرصنعتی ناشی از فکر و ذوق بشر حمایت کند. آثار مورد حمایت، تنوع و گستردگی و دسته بندی گوناگونی دارند. همه آثار برای شمول حمایت ناگزیر از عینی شدن و تبلور ظاهری هستند، اما تنها برخی آثار از طریق رسانه‌ها، به جامعه عرضه می‌شوند. اهمیت رسانه و قدرتی که به صاحب خود و پدیدآورندگان اعطا می‌کند، بر کسی پوشیده نیست. آثار تلویزیونی، سینمایی و رادیویی مهم‌ترین این موارد هستند.

کلیدواژه‌ها

حق مؤلف، حقوق مالکیت فکری، آفرینش‌های رسانه‌ای، حقوق رسانه.

مقدمه

امروزه سخن گفتن متخصصان از اهمیت مالکیت فکری در زندگی اجتماعی، به دلیل تکرار آن، چندان خوشایند و دل‌چسب نیست. مالکیت فکری و به‌ویژه اهمیت آن، دست‌کم برای بسیاری از مردم شناخته شده‌است و آن‌چه بر دوش اندیشمندان این حوزه فکری باقی می‌ماند، تقویت مبانی و اصول این شاخه از دانش و چاره‌جویی برای انتفاع بیشتر جامعه و افراد از این نظام می‌باشد. (کاظمی، ۱۳۹۲، ص ۲). گستره این نوع حقوق و امتیازات بسی بزرگتر از آن است که بتوان آن را در یک مجلد تبیین نمود، حتی باید پا را فراتر گذاشت و معتقد بود که هر یک از زیر مجموعه‌های این گونه مباحث نیز در یک کتاب نمی‌گنجد. مالکیت صنعتی و تجارتي عنوانی واحد برای مباحثی مفصل است که هر یک به تنهایی اقتضای کلامی گسترده و کتاب‌های متعدد دارد. حق اختراع، علامت



■ حسینی، محمد مهدی، حقوق مالکیت فکری آفرینش‌های رسانه‌ای، ۱۳۹۴، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) ۲۰۱ صفحه، ۸۰۰۰ تومان، شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه، شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۴-۴۲۹-۴

فصلنامه نقد کتاب

اطلاعات رسانه‌ای و ارتباطات

سال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۵

۱۱۲

تجاری، طرح‌های صنعتی، نشان‌های جغرافیایی، اسم تجاری و.... مالکیت ادبی و هنری نیز اگرچه دچار تنوع و چندپارگی مالکیت صنعتی و تجاری نیست، تفصیل و تحلیل بیشتری می‌طلبد.

حقوق مولف و حقوق مرتبط، هر یک به تنهایی و نه به یک اندازه، فروعات گسترده یافته که بررسی هر یک، حوصله و وسعت دید شایسته‌ای را ضروری می‌سازد. در حقوق مولف، به‌ویژه در نظام حقوقی نوشته، بحث‌ها چنان عمیق و دقیق شده که بررسی هر یک از فروعات، لزوم رعایت اصولی ممتاز در عین تبعیت از نظام واحد را موجب می‌شود. شناخت مبنا و پیشینه داخلی و بین‌المللی، مفاهیم پدیدآورنده و اثر، حقوق ناشی از خلق اثر و حمایت‌های متصوره و در این میان یافتن وجوه اشتراک و افتراق آثار و حمایت‌ها و شرایط هر یک و مقایسه آن با سایر آثار و حتی سایر دستاوردهای علمی بشر در حوزه مالکیت صنعتی و تجاری در تبیین مرزهای ظریف میان آنها و جست‌وجوی راهکارهای برقراری تعادل میان منافع فرد و اجتماع در هر مورد در پرتو وضع و اجرای قواعد خاص و منحصر به فرد، اهمیت ویژه‌ای دارد. در این میان، غفلت از تأثیرات شگرف فناوری‌های جدید در خلق و بهره‌برداری از بیشتر آثار و ابعاد بین‌المللی که در فرایند خلق و بهره‌برداری از آنها مطرح می‌شود، پذیرفتنی نیست. (ملک محمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۹).

یکی از شیوه‌های تحلیل مباحث حقوق پدیدآورندگان مختلف، توجه به نوع آثار مورد حمایت و دسته‌بندی آنها و در نتیجه ارائه احکام و شرایط و قواعد مربوط به خلق و بهره‌برداری و حمایت از نوع یا انواع خاص آثار می‌باشد. در سال‌های اخیر، تحقیقات وسیعی در دنیا و در ایران درباره دسته‌های مختلف آثار تحت حمایت حقوق مولف صورت گرفته است. در این تحقیقات، پژوهش‌گران با در نظر گرفتن بعضی آثار خاص، درباره شرایط خلق و حمایت آنها بحث کرده‌اند. برای نمونه، پژوهشگری در زمینه خلق نرم‌افزارهای رایانه‌ای نوشته است (صادقی نشاط، ۱۳۸۹) و دیگری درباره حمایت از نمودهای فرهنگ عامه (فولکلور) (غفوری، ۱۳۸۹)، تحقیق کرده است.

شیوه دیگر تحقیق در حوزه مالکیت ادبی و هنری - و البته مالکیت صنعتی و تجاری -

بررسی احکام مشترک همه شاخه‌های مورد حمایت، صرف‌نظر از مصادیق حمایت شده، می‌باشد. در این شیوه محقق بحثی مشترک از احکام و قواعد کل مالکیت فکری یا نوع خاصی از حمایت مالکیت فکری (مثلاً حقوق مولف) را برمی‌گزیند و در تحقیق خویش، با بی‌توجهی به حقوق سایر کشورها و نظام بین‌المللی، مطالب مرتبط را دسته‌بندی و عرضه می‌کند. برای نمونه نویسنده‌ای درباره «قراردادهای بهره‌برداری از حقوق مولف» تحقیق می‌کند (محمدی، ۱۳۸۶) و نویسنده‌ای دیگر «نظام حل‌وفصل اختلافات حقوق مالکیت معنوی» (رئیزی، ۱۳۹۲) و دیگری «ثبت آثار ادبی و هنری و حمایت‌های قانونی» (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹) و آن دیگر، «مطالعه تطبیقی نقض حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری در نظام حقوقی ایران و انگلستان» (سالارپورگل ختمی، ۱۳۹۰) یا «نظام حقوقی حاکم بر مدیریت جمعی مالکیت فکری» (محمدی، ۱۳۹۲) را تحقیق و نگارش می‌کند.

هریک از این دو شیوه که امروز معقول و معمول می‌نماید، نگاه از منظر خاص جلوه می‌کند و هر دو در شرایط دانش امروزی، برای سهولت دسترسی جامعه به دانش، بر شیوه سنتی‌تر، که همان ارائه تمام مباحث در اثری واحد است، ترجیح داده می‌شود. کتابی که در این مقاله نقد می‌شود نیز با توجه به همین نگرش درصدد بیان و عرضه احکام حقوقی حمایت از «آفرینش‌های رسانه‌ای» در مقابل سایر آفرینش‌های مورد حمایت است؛ به عبارت دیگر، نویسنده کتاب به بررسی موضوعی گونه‌ای از آثار مورد حمایت توجه داشته‌است: انتخاب حقوق مولف در خلق آثاری که راه انتقال آنها به جامعه «رسانه» می‌باشد موضوع مهم و شایسته توجهی است. اهمیت رسانه‌ها بر اهل فن پوشیده نیست. قدرت مهارناپذیر رسانه‌ها موجب ترغیب و تشویق افراد به خلق آثاری می‌شود که از این طریق به جامعه عرضه می‌شوند: ۱- رسانه‌ها در کوتاه یا درازمدت در شکل‌دهی و ساختن مبانی فکری جامعه نقش بی‌مانندی دارند و بر همین اساس شاید قوی‌ترین افراد کسانی هستند که کنترل چنین ابزار اجتماعی را در اختیار دارند.

۲- آثاری که شیوه ابراز و عرضه آنها رسانه‌ها باشند، بیشتر در معرض دسترسی اجتماعی و به تبع نقد و اصلاح قرار می‌گیرند و شاید به همین دلیل تأثیر و ماندگاری ذهنی بیشتری نسبت به برخی آثار داشته باشند.

۳- رسانه به دلیل تأثیر عمیق اجتماعی، محل تلاقی منافع اجتماعی در دسترسی آزاد به اطلاعات و منافع حاکمیتی در کنترل و مهار این دسترسی است. این تلاقی و گاهی تضاد منافع، احکام و قواعد خاصی را طلب می‌کند.

۴- به دلیل ویژگی خاص رسانه‌ها که از آن جمله دسترسی همگانی و سرعت انتقال اطلاعات و گستردگی مخاطبان می‌باشد، استفاده از آثار تحت حمایت حقوق مولف، در بسیاری از موارد با تغییر در مفاد یا شکل آنها یا استفاده از آنها برای خلق آثار اشتقاقی ملازمه دارد و این امر از ویژگی‌های بهره‌برداری رسانه‌ای از آثار است.

درمجموع شاید صحیح‌تر آن باشد که پذیرفته شود اصطلاح «آفرینش‌های رسانه‌ای» چندان دقیق نیست. این آفرینش‌ها برای بهره‌برداری در رسانه‌ها خلق می‌شوند نه آنکه

رسانه‌ها ابزار خلق باشند. فیلم، برای پخش در تلویزیون یا ماهواره یا اینترنت خلق می‌شود نه اینکه ماهواره یا تلویزیون یا اینترنت ابزار ساخت آن باشند. با این‌که همه انواع آثار از قابلیت و امکان بهره‌برداری رسانه‌ای برخوردار می‌باشند، به‌نظر می‌رسد نویسنده کتاب «حقوق، مالکیت فکری آفرینش‌های رسانه‌ای» هدف دیگری را تعقیب می‌کند و منظور ایشان گروه خاصی از آثار مورد حمایت حقوق مولف است. بررسی میزان نیل نویسنده به هدف خویش، موضوع این تحقیق است.

در این مقاله در پرتو دانسته‌ها و بایسته‌های علمی و با رعایت اصول اخلاق نقد، در پی نگرشی اصلاح‌گرانه به این کتاب هستیم. به این منظور، پس از ذکر مقدمه‌ای درباره‌ی موضوع بحث و مرتبط با مطالب کتاب، کلام خود را در دو مبحث «حقوق مالکیت فکری آفرینش‌های رسانه‌ای» در نمای نویسنده (مبحث اول) و «حقوق مالکیت فکری آفرینش‌های رسانه‌ای» از نمای دیگران (مبحث دوم) مطرح می‌کنیم.

فصلنامه نقدکتاب

اطلاع‌رسانی
ارتباطاتسال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۵

۱۱۴

مبحث اول

«حقوق مالکیت فکری آفرینش‌های رسانه‌ای» در نمای نویسنده

مبحث اول

در این مبحث، بی‌آن‌که در پی نقد و تحلیل اثر باشیم، کتاب «حقوق مالکیت فکری آفرینش‌های رسانه‌ای» را همان‌گونه که نگارش یافته به خواننده معرفی می‌کنیم. دیدن نویسنده کتاب و اثر وی در قاب آئینه‌ای، همان‌گونه که خود وی قادر به دیدن آن است، موضوع این قسمت از مقاله است. برای رسیدن به این مقصود، ابتدا نویسنده کتاب و مخاطبان ایشان را معرفی (گفتار اول) و سپس اثر را (گفتار دوم) مطرح می‌کنیم.

گفتار اول- آفریننده اثر و جامعه پیش روی او

شناخت جامعه هدف و مخاطبان هر اثر که در جوهره خود برای ایجاد ارتباط میان خالق اثر و دیگران شکل می‌گیرد، به شناخت پدیدآورنده‌ی اثر وابسته است. اثر ابزاری است برای انتقال پیام پدیدآورنده خود به دیگران. بنابراین، دو سوی این رابطه با همدیگر پیوسته‌اند: ابتدا پدیدآورنده و سپس استفاده‌کنندگان و جامعه هدف اثر را بررسی می‌کنیم.

۱- پدیدآورنده کتاب «حقوق مالکیت فکری آفرینش‌های رسانه‌ای»

آقای محمدمهدی حسنی آن‌گونه که در دیباچه کتاب به قلم استاد فرهیخته حقوق، جناب آقای دکتر نجادعلی الماسی، آورده شده است، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی و کارشناسی حقوق از دانشگاه امام صادق (ع) هستند. ایشان متولد ۱۳۶۸ (خوشبختانه بسیار جوان و خوش‌آئینه) می‌باشند. حسب اطلاعات به‌دست آمده وی دبیر انجمن علمی حقوق دانشگاه مذکور بوده، هم‌اکنون در قوه قضائیه اشتغال دارند.^۱ چندین مقاله از ایشان در دسترس قرار گرفته است: «بررسی یک حق

عینی، حق اولویت در ایجاد و اذن احداث و تملک اعیان در زمین‌های وقفی» یکی از مقالات ایشان است که در فصلنامه وکیل، مدافع متعلق به کانون وکلای دادگستری خراسان (شماره ده و یازده) در زمستان ۱۳۹۲، منتشر شده است. همچنین حسب اطلاعات مندرج در صفحه اصلی مجله حقوقی دادگستری^۲ به تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۱، آقای حسنی همراه نویسندگان دیگر، مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های فقهی حضور گردشگران غیرمسلمان در کشورهای اسلامی با تأکید بر قوانین داخلی و مقررات بین‌المللی» نوشته‌است که در شماره ۹۲ زمستان سال ۱۳۹۴ این مجله زیر چاپ می‌باشد.

فصلنامه نقدکتاب

اطلاع‌رسانی
و ارتباطات

سال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۵

۱۱۵

۲. کتاب برای چه کسانی؟

در مطلبی که تحت عنوان سخن ناشر در صفحات ۱۱ و ۱۲ کتاب آمده است، جامعه هدف کتاب مشخص نشده‌است؛ اما در دیباچه‌ای که جناب آقای دکتر نجادعلی الماسی در صفحات ۱۳ و ۱۴ نوشته‌اند «مطالعه این کتاب سودمند» به «حقوقدانان و دانشجویان حقوق» توصیه شده‌است. خود نویسنده بدون تصریح به این‌که پژوهش ایشان بیشتر چه گروه یا گروه‌هایی را مخاطب می‌داند، خوانندگان کتاب را هم‌چون نظر دکتر الماسی، «اساتید بزرگوار و دانشجویان ارجمند» معرفی کرده‌است.

روشن است بخش بزرگی از کسانی که این پژوهش به کارشان می‌آید، هنرمندان و پدیدآورندگانی هستند که در جست‌وجوی حقوق و تکالیف خویش به این کتاب پناه خواهند آوردند. همچنین تولیدکنندگان آثار مورد استفاده در رسانه‌ها، سازمان صداوسیما، جمهوری اسلامی ایران، وزارت و ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کشور و استان‌ها و به‌طور کلی، تمام اشخاص و گروه‌هایی که در حوزه خلق و تولید و نشر و تکثیر آثار مختلف به‌ویژه آثار موضوع تحقیق در این پژوهش، تلاش می‌کنند، جزو مخاطبان و بهره‌مندان احتمالی ثمره این کوشش علمی خواهند بود.

گفتار دوم - اثر (پدیده) مورد نقد

نقد هیچ اثری بدون درک و بیان موقعیت کتاب در میان مجموعه اطلاعات مرتبط با اثر که ممکن است از راه کتاب‌ها، مجلات، سامانه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی، مقالات و پایان‌نامه‌ها، حاصل شود، میسر نمی‌شود. منصفانه نیست اثری نقد شود مگر آن‌که خواننده به‌وضوح امکان دسترسی آزاد و کامل به اطلاعات ناشی و مربوط به اثر، داشته باشد. برای فراهم کردن این فرصت، قبل از آن‌که موقعیت کتاب را در میان آثار مشابه ارزیابی کنیم (۳) ابتدا اطلاعات ظاهری آن را بررسی (۱) و سپس ویژگی‌ها و وجوه ممتاز آن را ذکر می‌کنیم (۲).

۱- اطلاعات ظاهری کتاب

کتاب «حقوق مالکیت فکری آفرینش‌های رسانه‌ای» برای نخستین بار در مرداد سال ۱۳۹۴ خورشیدی در انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) به صورت رقی و با طرح جلدی ساده و جذاب در ۲۰۱ صفحه، که از اولین برگ کتاب تا آخرین صفحه آن شماره‌گذاری شده، منتشر گردیده است. پس از صفحه «بسم الله الرحمن الرحيم»، نویسنده کتاب خود را به پدر و مادر خویش تقدیم کرده است. بعد از معرفی کتاب و ناشر، فهرست مطالب از صفحه ۵ شروع شده و تا صفحه ۹ ادامه یافته است.

از لحاظ ساختاری، نویسنده پس از فهرست مطالب و سخن ناشر، دیباچه‌ای که ذکر آن گذشت و مقدمه خود را بیان کرده است و سپس به ترتیب فصول ۱ تا ۵ تا صفحه ۱۸۲ کتاب را به خود اختصاص داده‌اند. پس از نتیجه‌گیری در صفحات ۱۸۳ تا ۱۸۵، فهرست منابع کتاب در چند بند به ترتیب زبان منابع، آورده شده است. نویسنده در صفحات پایانی، فهرست نمایه نام‌ها و عناوین را آورده است.

در فصل اول با عنوان «مبانی و مفاهیم» که از صفحه ۱۹ کتاب شروع شده است و تا صفحه ۵۵ ادامه دارد، نویسنده در شش بند مجزا که بعضی از بندها، زیرمجموعه‌هایی خاص دارد، بحث‌های کلی درباره پیشینه، مفهوم، ارکان، مشروعیت یا عدم مشروعیت و ادله آن و تقسیمات حقوق مالکیت فکری، مطرح کرده است. در بند شش این فصل در صفحه ۴۲ به بعد کتاب، مفهوم آفرینش رسانه‌ای و انواع دسته‌بندی‌های آن مطرح شده است. در پایان این فصل و البته سایر فصول، نویسنده سه عنوان جداگانه شامل «جمع‌بندی»، «یادداشت‌ها» و «پی‌نوشت‌ها» آورده است.

در فصل دوم کتاب با عنوان «شرایط و عناصر حمایت از آثار رسانه‌ای» که از صفحه ۵۷ کتاب تا صفحه ۹۷ آن ادامه دارد، نویسنده همانند فصل اول و سایر فصول، پس از ذکر مقدمه‌ای کوتاه، شرایط حمایت از آثار در دو قسمت شرایط ماهوی (اصلی) و شرایط شکلی (فرعی) را مطرح کرده و در پایان، ضمن بیان جمع‌بندی، یادداشت‌ها و پی‌نوشت‌های این فصل را آورده است.

فصل سوم با نام «حقوق پدیدآورندگان آثار رسانه‌ای» از صفحه ۹۹ شروع شده و تا صفحه ۱۴۱ ادامه پیدا کرده است، نویسنده، حقوق مادی و معنوی پدیدآورنده و ویژگی‌ها و مصادیق این حقوق را تبیین نموده است. ترتیب خاتمه مطالب این فصل نیز مانند سایر فصول می‌باشد. فصل چهارم کتاب، «حقوق مرتبط با حق پدیدآورندگان آثار رسانه‌ای» نامیده شده و در آن مفهوم حقوق مرتبط و اشخاص تحت حمایت مطرح گردیده است. این فصل از مقدمه تا پی‌نوشت‌ها در صفحات ۱۴۳ تا ۱۵۹ تبیین شده است.

فصل پنجم این کتاب با نام «استیفاء و نقض حقوق پدیدآورندگان آثار رسانه‌ای» از صفحه ۱۶۱ تا ۱۸۲ کتاب را به خود اختصاص داده و در آن بهره‌برداری از حقوق و اشکال قراردادهای بهره‌برداری از آنها، نقض این حقوق و مسئولیت ناشی از نقض بررسی شده است. در این کتاب نویسنده علاوه بر ذکر مقدمه اصلی در ابتدای کتاب، در ابتدای هر فصل نیز مقدمه‌ای ذکر کرده است. هم‌چنین نویسنده به جای استفاده از پاورقی، در پایان فصول

فصلنامه نقدکتاب

اطلاعات کتاب

سال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۵

۱۱۶

ضمن تفکیک توضیحات ضروری از پانوشته‌ها، منابع استفاده‌شده در هر فصل را با ذکر نشانی کامل آورده است.

در پایان فصول و نتیجه‌گیری مختصر کتاب (صفحات ۱۸۳ تا ۱۸۵) و ذکر منابع و مآخذ، نمایه مختصر و مفیدی وجود دارد که خواننده را به شماره صفحات کتاب ارجاع می‌دهد. در طرح پشت جلد که عنوان انگلیسی کتاب آورده شده است، توضیح مختصری به زبان فارسی و به‌منزله سخن ناشر درباره هدف کتاب، آورده شده است.

فصلنامه نقدکتاب

اطلاعات
ارتباطات

سال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۵

۱۱۲

۲- ویژگی‌ها و برجستگی‌های اثر مورد نقد

کتابی که نقد می‌کنیم چندین ویژگی دارد که در نظر گرفتن آنها برای فهم درست کلام نویسنده و دریافت نقاط ضعف و قوت و در نهایت قضاوت در این خصوص، ضرورت دارد. این ویژگی‌ها چند نکته برجسته در کتاب ایجاد کرده است که به اختصار ذکر می‌شود.

۲.۱- ویژگی‌ها

این کتاب چند ویژگی ممتاز شکلی و ماهوی دارد که تشخیص و تمایز آن را در میان سایر آثار، ساده می‌سازد و دیدگاه‌های پدیدآورنده را مشخص می‌کند.

• کتاب از لحاظ حجم مطالب و تعداد صفحات به گونه‌ای نیست که موجب خستگی و دل‌زدگی خواننده شود. مطالب بیش از حد ضرورت بسط داده نشده که البته اصرار بر این ویژگی گاهی به استحکام و قوت اثر لطمه زده است.

• ذکر مقدمه در ابتدای هر فصل و نتیجه‌گیری در پایان هر فصل، اگرچه به اعتقاد نگارنده این مقاله، ضرورت نداشته موجب تمایز این کتاب از کتاب‌های مشابه در زمینه پژوهش‌های حقوقی می‌گردد.

• استفاده از تقسیم‌بندی متفاوت در تفکیک فصول به شیوه‌ای که در پژوهش‌های کشورهای انگلیسی زبان مرسوم است و در تحقیقات حقوقی در ایران کمتر مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرد، از ویژگی‌های این کتاب است.

• اختصاص صفحات مجزا به پاورقی و یادداشت‌ها در پایان هر فصل نیز موجب تمایز این کتاب شده است.

• نگارش ساده و روان در بسیاری از موارد، به‌ویژه با توجه به جوان بودن نویسنده، موجب امتیاز این کتاب است. هرچند وجود ایرادهای جدی در نگارش و عدم رعایت اسلوب و دستور نگارش زبان فارسی فراوان دیده می‌شود، که در جای خود به آن اشاره می‌شود.

۲.۲. نکات عمده و برجستگی‌های اثر

• عنوان انتخابی برای کتاب فریبنده و جذاب است. نویسنده به‌خوبی با درک اهمیت موضوع تحقیق اعلام کرده است «کتاب حاضر تلاشی در راستای ترسیم نمای

کلی حقوق مالکیت فکری درخصوص آفرینش‌های رسانه است که با بررسی ابزارهای نظام حقوقی مختلف بسترهای حمایت از آثار رسانه‌ای را معرفی خلاهای موجود را بیان می‌کند» (ص ۱۶).

واقعیت این است که «امروز نقش و جایگاه رسانه‌ها در حدی است که زندگی بی‌حضور آن‌ها غیرقابل تصور است. محصولات رسانه‌ها فقط وسیله سرگرمی نیستند بلکه در بسیاری از جنبه‌های فعالیت اجتماعی و فردی ما دخالت و نقش دارند» (همان، ص ۴۲). آثار رسانه‌ای زندگی تک‌تک ما را تحت سیطره خود دارد و هر یک از این رسانه‌ها با پیچیدگی خاصی بر زندگی ما تأثیر می‌گذارد. بنابراین، صرف انتخاب چنین موضوعی که به این کیفیت در ایران مورد تحقیق جدی قرار نگرفته است، انتخابی دشوار اما درست است.

• استفاده نویسنده از دیدگاه‌های مختلف و حقوق خارجی و اشاره به‌جا و مناسب به قوانین و دیدگاه‌های حقوقدانان کشورهای دیگر و معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی، جزو امتیازات این اثر می‌باشد، هرچند در جای خود می‌بینیم که پدیدآورنده از موضوع انتخابی برای تحقیق تقریباً فقط به انتخاب عنوان و بحث اندکی درباره «رسانه» بسنده کرده‌است.

• وجود نمایه و فهرست منابع دقیق از نکات برجسته و مفید این کتاب است.

• بحث رسانه و انواع آن، به‌ویژه از آنجا که «انسان‌ها امروزه در معرض آثار رسانه‌ای متولد می‌شوند، می‌اندیشند، دنیا را در این رهگذر می‌شناسند و رفتارهای خود را بر اساس الگوهای برگرفته از رسانه‌ها سامان می‌دهند» (همان، ص ۴۲)، به‌درستی سنگ زیرین این تحقیق بوده که در حد خود جایگاه نیافته است.

• تلاش نویسنده برای طرح تمام مباحث مطرح در قلمرو حقوق مولف درباره برخی موضوعات خاص مشمول آن (آفرینش‌های رسانه‌ای) ستودنی است. در این شیوه، نویسنده با انتخاب مصادیقی از مصادیق تحت حمایت حقوق مولف، تلاش کرده‌است تمام جوانب مطرح درباره این آثار از جمله حقوق پدیدآورنده، حقوق مرتبط، حمایت‌ها و... را طرح کند، اما آیا درواقع چنین شده است؟

۲.۳. موقعیت اثر در میانه میدان

با توجه به شیوه‌ای که نویسنده در پژوهش خود انتخاب کرده است (انتخاب موضوعی) طبیعی است میان این کتاب و تمامی تحقیقاتی که به‌طور کلی و جامع یکی از دو شاخه مالکیت فکری (مالکیت صنعتی و تجارتي یا مالکیت ادبی و هنری) را مطرح می‌کنند، مرز مشخصی وجود دارد و انتظار این است مطالب کتاب حاضر تنها به موضوع خاص «آفرینش‌های رسانه‌ای» اختصاص یافته باشد و جز برای نمونه یا ذکر کلیات، احکام خاص سایر آثار، مورد توجه قرار نگرفته باشد.

فصلنامه نقدکتاب

اطلاعات رسانه‌ای
و ارتباطات

سال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۵



علاوه‌براین، کتاب حاضر ترجمه نیست و تالیف و پژوهش جدید محسوب می‌شود. بنابراین، رقبای احتمالی و آثار مرتبط یا مکمل این اثر را باید در میان آن گروه از آثار تالیفی موضوعی و خاص جست‌وجو کرد که در بازار نشر وجود داشته یا دارند. از این‌رو در مقام مقایسه، آثار موضوعی ملاک قرار می‌گیرند. در این زمینه می‌توان دست‌کم به آثار منتشر شده زیر اشاره کرد:

• حمایت حقوقی از آثار صوتی و تصویری صداوسیما، مصطفی‌السان، ۱۳۸۸، تهران، مرکز تحقیقات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.

• حقوق ارتباط جمعی، چاپ دوم، باقر انصاری، ۱۳۷۸، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

• درآمدی بر حقوق ارتباط جمعی مطبوعات، ماهواره، اینترنت، محمدحسن بردبار، ۱۳۸۰، تهران، انتشارات ققنوس.

• حقوق مالکیت فکری سازمان‌های پخش صدا و تصویر، محمد صدیق رحمانی، ۱۳۸۹، تهران، انتشارات مجد.

• حقوق رسانه اثر پیتر کری و جوساندرز، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، ۱۳۸۶، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

با ملاحظه این اثر و تطبیق آن با آثار تقریباً مشابه فوق، مشخص می‌شود که عنوان اثر جناب آقای محمدمهدی حسنی نسب به همه آثار مذکور گستردگی و جامعیت بیشتری دارد و بنابراین می‌توانسته و انتظار می‌رود، چنین باشد. از سوی دیگر کتاب‌های مربوط به ارتباط جمعی مطالعاتی متفاوت از مقوله مالکیت فکری دارند و به‌صورت فرعی به حقوق مولف توجه نشان داده‌اند. کتاب حقوق مالکیت فکری سازمان‌های پخش صدا و تصویر نیز مربوط به حقوق مرتبط یا حقوق مجاور است؛ درحالی‌که کتابی که نقد می‌کنیم حقوق پدیدآورنده آثار رسانه‌ای را تحلیل می‌کند.

در مقایسه با کتاب «حمایت از آثار صوتی و تصویری صداوسیما»، این کتاب، پدیدآورنده خاصی را مدنظر قرار نداده‌است و درباره هر خالق اثر رسانه‌ای و هر اثر رسانه‌ای بحث کرده‌است.

در مقایسه با کتاب حقوق و رسانه نیز علاوه‌بر این که آن کتاب ترجمه است، در حقوق رسانه به رسانه و تمام جوانب آن با نمونه‌های فراوان از نظام حقوقی انگلستان توجه شده و مقوله حقوق مولف در آن به‌صورت فرعی و بسیار محدود مطرح شده‌است. با این همه، به‌نظر می‌رسد، کتاب «حقوق مالکیت فکری آفرینش‌های رسانه‌ای» سوای گزینش نامی جذاب و به نسبت گسترده، در مقایسه با کتاب آقای دکتر باقر انصاری یا دکترالسان عمق کمتری داشته باشد و شاید درواقع، آن‌چنان که خواننده انتظار دارد، حقوق مورد اشاره را بررسی و تحلیل نکرده است.

مبحث دوم

«حقوق مالکیت آفرینش‌های رسانه‌ای» از نمای دیگران

نویسنده کتاب در فراز ما قبل آخر مقدمه خود (صفحه ۱۶) آورده است:

«... امید است خوانندگان محترم- اعم از اساتید بزرگوار و دانشجویان ارجمند- در ایرادات کتاب به دیده اغماض نگریسته و هرگونه قصور در اثر را بر کم تجربگی نگارنده ببخشایند. با گوشزد کردن نواقص و هدیه عیوب بر نگارنده منت گذاشته و اعتذار این جانب پذیرفته شود». بیان بزرگوارانه این نویسنده که روح کمال‌گرایی ایشان را نمایان می‌سازد، جرأت نقادی را افزایش می‌دهد. در این موقعیت، نویسنده این مقاله ضمن پذیرش احتمال اشتباه در برداشت از کلام یا مقصود نویسنده یا امکان بهره‌مندی خود از دیدگاه نادرست، با هدف اصلاح و تکمیل اثر مذکور و با اذعان به این که لزوماً دیدگاه‌های نویسنده مقاله آن‌گونه که مطرح می‌شوند، صحیح و معتبر نیست، نقد اثر مذکور را از نظر شکلی و ظاهری و در ادامه، مهم‌تر از آن، از منظر محتوای اثر مطرح می‌کند.

فصلنامه نقدکتاب

اطلاعات
ارتباطاتسال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۵

۱۲۰

گفتار اول - نقد صورت ظاهر اثر

در این قسمت، در پی یافتن عیوب ظاهر اثر مورد نقد هستیم. پیش از این وجوه امتیاز کتاب را بازگو کرده‌ایم. البته نقاد نباید خود را به یافتن عیوب، به‌ویژه ظاهر محدود سازد؛ اما نقد موثر و جامع از هیچ خدشه‌ای که مانع از تأثیر کلام نویسنده یا کاهش آن شود، غافل نمی‌شود. با این حال، عیوب ظاهری اثر مورد بحث از حیث تأثیر و خللی که موجب می‌شوند، به یک درجه از اهمیت نیستند. برخی از آنها کم اهمیت هستند اما نبودشان بهتر است (۱)، بعضی دیگر در درک پیام و مقصود نویسنده، تأثیرگذار هستند و اصلاح آنها، ضروری است (۲).

۱. اشکالات شکلی با اهمیت کمتر

با مطالعه سراسر متن برخی ایرادهای ظاهری دیده می‌شود که شاید بعضی از آنها ناشی از سلیقه نویسنده باشد.

• اشکالات چاپی

این ایرادها به نسبت زیاد هستند و در برخی موارد فهم نظر نویسنده را غیرممکن یا دشوار می‌سازند و گاهی حتی معنای متفاوتی به جملات می‌دهند:

در سطر ۷ بند ب صفحه ۶۳، در سطور ۱۳، ۱۶ و ۲، سطر آخر صفحه ۷۵ (نذورات حمایتی!) سطر ۱۰ صفحه ۷۷ و سطر ما قبل آخر همین صفحه، سطر ۲۱ صفحه ۸۱، سطور ۴ و ۱۵ صفحه ۸۳، سطر ۱۹ صفحه ۸۵، سطر ۲۱ صفحه ۱۰۰ (حق ارتفاع!)، سطر پنجم ما قبل آخر در صفحه ۱۰۵، سطر ۱۱ صفحه ۱۱۰، حق به جانبی در صفحه ۱۴۶، به حق انتصاب در سطر اول صفحه ۱۶۷، به صورت معرض در سطور پایانی صفحه ۱۱۷.

• ذکر پاورقی‌ها در پایان هر فصل اگرچه به‌خودی خود ایرادی مهم به‌نظر نمی‌رسد، با ذهن جامعه حقوقی ایران که با شیوه ارجاع پاورقی در هر صفحه مأنوس است، سازگار

به‌نظر نمی‌رسد. هم‌چنین، این شیوه برای پژوهش‌های کم‌حجم مانند مقاله سازگارتر است. • ثمره عملی بر تفکیک یادداشت‌ها از پی‌نوشت‌ها دیده نمی‌شود. درمجموع در نگاهی منصفانه، ارجاعات نویسنده یک‌دست و در تمام موارد مشابه و بی‌اشتباه هستند.

۲- ایرادهای شکلی موثر

چندین اشکال در صورت اثر نمایان است که بر درک مفهوم آن، موثر می‌باشد:

- تقسیم‌بندی مطالب کتاب به شکل کنونی خدشه‌پذیر و دارای ایراد است. توضیح آن‌که نویسنده بر سیاق کتاب‌های حقوق مالکیت ادبی و هنری، فصول متعددی با همان عناوین آشنا و معروف تعیین، ذکر و تحلیل کرده‌است. درحالی‌که در این تقسیم‌بندی توازن و هم‌اندازه بودن نسبی فصول به‌هم خورده و تعداد فروع فصول مختلف، با هم دیگر متفاوت و نامتناسب است.

- در بسیاری از موارد نویسنده بدون هیچ‌گونه تفکیک و تمایز میان آثار متفاوت یا حقوق کشورهای مختلف یا کنوانسیون‌های بین‌المللی کل مطالب آنها را پی‌درپی و بدون عناوین ممتاز ذکر نموده‌است. این امر موجب خستگی خواننده یا ایجاد شبهه در فهم مطالب می‌شود. برای نمونه: مطالب ذیل بند ۲-۲-۱ از صفحه ۷۵ به بعد، مطالب بند الف صفحه ۵۸ و بعد، مطالب ذیل بند ب صفحه ۶۳ و بعد، مطالب صفحه ۸۲

- در بسیاری از موارد، منابع مراجعه ذکر نشده‌است؛ درحالی‌که قطعاً مطلب مذکور در کتاب نیازمند چنین ارجاعی است. برای نمونه: سطر ۶ صفحه ۱۹، مطلب مربوط به حقوق مصر در انتهای صفحه ۲۲، پاراگراف آخر صفحه ۵۹، پاراگراف آخر صفحات ۶۰ و ۶۳، پاراگراف دوم ذیل بند ج صفحه ۶۷، سطر آخر پاراگراف اول صفحه ۱۰۸ مربوط به حقوق انگلستان، مطلب مربوط به «زنده دزدی» در صفحه ۱۱۱.

- نویسنده در ذکر نام قوانین کشورهای خارجی در برخی موارد دقت لازم را به‌کار نبرده و گاهی در ذکر تاریخ کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز بی‌دقت بوده‌است: در صفحه ۶۰ قانون کپی‌رایت ۱۹۸۵ فرانسه، یا به‌کاربردن قانون جدید مالکیت فکری ۱۹۹۲ فرانسه درحالی‌که این قانون جدید نبوده‌است، یا به‌کار بردن عنوان قانون کپی‌رایت برای کشور انگلستان در موارد متعدد درحالی‌که اسم کامل این قانون عبارت است از قانون کپی‌رایت، طرح‌ها و اختراعات ۱۹۸۸ می‌باشد، و عبارت «تصویب قانون مالکیت فکری» ۱۹۵۷ فرانسه.

- ایراد نگارشی موثری که فهم مقصود نویسنده را دشوار و گاهی غیرممکن می‌سازد، زیاد دیده می‌شود. مانند: عبارت «بادی‌های برنجی» در صفحات ۶۱ و ۷۷، عبارت شروع بند دوم صفحه ۶۴، عبارت مندرج در صفحه ۱۳ صفحه ۶۶، عبارات پایانی بند دوم صفحه ۷۱، سه سطر آخر صفحه ۷۹، سطر ۱۳ صفحه ۸۷، عبارات انتهایی صفحه ۸۹، عبارات شروع بند دوم صفحه ۱۱۳ و ...

- از بسیاری از منابع مفید و ضروری برای تکمیل تحقیق نویسنده استفاده نشده‌است. مانند ترجمه کتاب حقوق رسانه، یا قراردادهای بهره‌برداری از حقوق مولف.

- در برخی موارد ترتیب شماره‌گذاری در فهرست مطالب با درون متن مغایرت دارد: شماره ۲-۳ در صفحه ۱۲۲، با همین شماره در فهرست مطالب و شماره‌های بعد آن.
- موقعیت طرح مطالب فصل ۴، درحالی‌که فصول ۱ تا ۳ و فصل پنجم به حقوق مولف مربوط است و تنها در فصل ۴ حقوق مرتبط مطرح می‌شود، درست انتخاب نشده است و معلوم نیست با وجود تفاوت این دو شاخه و صاحبان حقوق و جهات دیگر، چرا بیان مطلب به این صورت انجام گرفته است.
- در برخی موارد نویسنده مطلبی را به نویسنده خاصی نسبت داده که با مراجعه به اثر استناد چنین مطلبی در آن کتاب دیده نمی‌شود: پی‌نوشت‌های ۵ و ۶ در صفحه ۶۰ کتاب این‌گونه هستند.
- ذکر منبع لاتین در صفحه ۱۰۶ به‌صورت درون متنی با شیوه نویسنده متفاوت است.

فصلنامه نقدکتاب

اطلاع‌رسانی
ارتباطاتسال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۵

۱۲۲

گفتار دوم- نقد محتوای اثر

نویسنده کتاب «حقوق مالکیت فکری آفرینش‌های رسانه‌ای» موضوعی زیبا و و پر دامنه و حاوی ظرائف حقوقی بسیار را چشم‌انداز پژوهش خویش قرار داده است. مطرح کردن این بحث دانش و توان ویژه‌ای می‌طلبد که نویسنده آن را در خود یافته و در مسیر «تدوین نظام جامع در حقوق داخلی و رفع کاستی‌های موجود» (همان منبع، ص ۱۶)، به وسع خویش کوشیده است. از دشواری‌های تحقیقاتی از این دست نباید چشم‌پوشی کرد؛ قلمروی تقریباً ناشناخته با مرزهایی ظریف و رهروی سبک‌بال و پرشور. تلاش نویسنده را باید ستود اما به حق نمی‌توان آنچه را تحت عنوان کتاب مذکور به جامعه عرضه شده با آن چه جامعه از عنوان کتاب طلب می‌کند، همگن دانست. به لحاظ محتوایی، این اثر گفته‌هایی درخور دارد که تأمل برانگیز و گاهی ناپذیرفتنی هستند. بعضی ناگفته‌های نویسنده نیز دور از انتظار بوده و میل به شنیدن آنها از زبان این نویسنده در این موقعیت نه فقط از ذوق و سلیقه خواننده که از اقتضای کلام مورد بحث، سرچشمه می‌گیرد.

۱. گفته‌های درخور تأمل

بعضی از عبارات و مطالب، دست‌کم از نظر نویسنده این مقاله و به شکل کنونی آن، پذیرفتنی نیست و شاید صریح‌تر باید گفت که ایراد دارد.

- در عنوان کتاب عبارت کلی و عام «حقوق مالکیت فکری» برای «آفرینش‌های رسانه‌ای» برگزیده شده است که از دو جزء پر دامنه و حاوی کلام گسترده تشکیل شده است. خوانندگان این کتاب و این مقاله همان‌گونه که خود نویسنده کتاب توضیح داده است، نیک می‌دانند، مالکیت فکری نسبت به «آفرینش‌های رسانه‌ای» - که اصطلاحی مخصوص مالکیت ادبی- هنری است، بسیار عام و کلی است. به عبارت بهتر، عبارت «آفرینش‌های رسانه‌ای» به‌خوبی گواه آن است که منظور بررسی مالکیت ادبی و هنری یا حقوق مولف درباره دسته خاصی از آثار است. شاید انتخاب عنوان نزدیک‌تر به «آفرینش‌های رسانه‌ای»

مانند حق یا حقوق مولف در آفرینش‌های رسانه‌ای زیبا و موثرتر بود. شیوه عمل نویسنده در تمام پژوهش نیز حاکی از آن است که توجه نویسنده به بحث مالکیت صنعتی و تجارتي به‌منزله بخشی از مالکیت فکری نبوده است.

• ایراد عنوان کتاب وقتی جدی و نمایان‌تر می‌شود که درنظر داشته باشیم در تقسیم و دسته‌بندی انواع آثار، کمتر نویسنده داخلی یا خارجی چنین گروهی از آثار را در یک دسته مشخص قرار داده است (تورمانز، ۲۰۰۸، صص ۱۷۲ و بعد- اپلین و دیویس، ۲۰۰۹، صص ۵۴ و بعد، زرکلام، صص ۵۵ و بعد، وی‌وان و بروگیه، ۲۰۰۹، صص ۸۶ و بعد). همان‌گونه که خود نویسنده در تعریف «رسانه» مشخص کرده‌است، در علوم ارتباطات مراد از «رسانه»، «وسیله رسانیدن پیام از پیام‌دهنده به پیام‌گیرنده است» (ص ۴۳). بنابراین، رسانه نمی‌تواند معیار درستی برای تمییز تعدادی از انواع آثار باشد. شاید بر پایه همین دشواری است که نویسنده در سراسر کتاب تعریفی از «اثر رسانه‌ای» و نشانی از تعیین مصادیق آن به‌دست خواننده نمی‌دهد. در بحث انواع رسانه (صفحه ۴۶ و بعد) دسته‌بندی انواع رسانه از دیدگاه‌های مختلف بیان شده است که با ملاحظه آنها خواننده درمی‌یابد بسیاری از آثار ناهمگن به واسطه وسیله ابراز خود، اثر رسانه‌ای محسوب می‌شوند. شاید به‌همین دلیل است که با وجود انتظار معقول خواننده برای ملاحظه بحث‌های موضوعی آثار رسانه‌ای و اهمیت شناخت مصادیق آن، در سراسر کتاب چنین مطالب مهم و ضروری رادیده نمی‌شود. شاید با این توضیحات مشخص شود که در کتاب آقای حسنی بحث حقوق ویژه نوع خاصی از آثار دیده نمی‌شود و علت این امر آن است که رسانه‌ها وسیله انتشار و توزیع آثار هستند نه خلق و بیان آنها.

• در دیباچه کتاب (ص ۱۳) جناب آقای دکتر الماسی فرموده‌اند: «سابقه وضع قوانین مرتبط با حمایت از حقوق مالکیت فکری در ایران به اواخر دهه ۴۰ و تصویب قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان به سال ۱۳۴۸ بازمی‌گردد». این سخن استاد به‌دلیل آن‌که از سابقه وضع قوانین مالکیت فکری- نه مالکیت ادبی و هنری- در ایران یاد کرده است، ناخوب‌تر است زیرا همان‌گونه که نویسنده کتاب در ادامه (صص ۱۹ و بعد و به ویژه ۲۳ به بعد) آورده است، سابقه قانون‌گذاری در این زمینه در ایران به سال ۱۳۰۴ خورشیدی برمی‌گردد. گویانکه قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ در زمینه حقوق مولف نیز اولین قانون مصوب در ایران، محسوب نمی‌شود. اولین قانون در این زمینه قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ می‌باشد که چند ماده به مجازات نقض حقوق مالکیت فکری اختصاص داده بود.

• در صفحه ۲۰ نویسنده اعلام کرده است «... این تحولات در طی حدود دویست سال پیش از به‌رسمیت شناختن نظام امتیاز، منجر به تصویب قانون موسوم به ملکه «آن»... اولین قانون راجع به کپی رایت توسط پارلمان انگلستان در سال ۱۷۰۹ میلادی گردید...». این جمله نادرست است زیرا همان‌گونه که خود نویسنده در مطالب قبل از این عبارت اعلام کرده است، نظام امتیازدهی پادشاهان اروپایی قبل از تصویب قانون مذکور

بوده است نه دویست سال پس از آن!

• در صفحه ۲۲ (بند یا پاراگراف اول) نویسنده درباره کنوانسیون برن اعلام کرده است: «... این کنوانسیون تاکنون هشت بار مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفته است که آخرین بار در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۹ بوده است. تاکنون ۱۶۴ کشور به این کنوانسیون پیوسته‌اند». سوای آن که مرجعی برای آمار و اطلاعات مذکور بیان نشده و معلوم نیست مربوط به چه زمانی است، اصل زمان آخرین اصلاح کنوانسیون برن نیز نادرست است؛ زیرا آخرین اصلاح این کنوانسیون در سال ۱۹۷۱ در شهر پاریس هم‌زمان با اصلاح کنوانسیون جهانی حقوق مولف، صورت گرفته است (پورتر، ۱۹۹۱، ص ۹- استرلینگ، ۱۹۹۹، ص ۲۱).

• ادعای این که نامه رئیس قوه قضائیه به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت در سال ۱۳۷۱، موجب اعتباربخشی به قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و قانون ترجمه و تکثیر سال ۱۳۵۲ شده است (صفحه ۲۳)، خود دقیقاً اعتباربخشی گزاف به یک نامه است. قانون لازم‌الاجرا نیاز به اعتباربخشی ندارد و چنین مقام و ابزاری این امکان را به قانون نمی‌دهند.

• نویسنده در صفحات ۲۵ به بعد تعاریف متعددی به نقل از نویسندگان مختلف از مالکیت فکری یا معنوی بیان کرده است که انتخاب و ذکر بعضی از آنها که تنها بخشی از این حقوق را تعریف می‌کنند، صحیح به نظر می‌رسد. ضمن آن که در پایان بحث، اثری از تعریف برگزیده یا مورد تأیید خود نویسنده دیده نمی‌شود.

• اختصاص حجم و میزان زیادی از صفحات کتاب به مطالبی درخصوص مفهوم مالکیت فکری و به‌ویژه اختلاف در عبارات و واژه‌ها و اصطلاحات، حقوق مترتبه، مشروعیت و مبانی و پیشبنه مباحث کلی هیچ ضرورتی ندارد و با بحث «آفرینش‌های رسانه‌ای» ارتباط مستقیمی ندارد. گویانکه این مباحث در همه کتاب‌ها و منابع اصلی با دقت و جزئیات بیشتر بیان شده است. کتاب حاضر قرار بوده است که به حقوق مولف آثار رسانه‌ای اختصاص یابد و مطرح کردن مباحث مالکیت صنعتی یا تجارتي یا مباحث کلی و عام حقوق مولف، نامتناسب و زائد و غیرضروری جلوه می‌کند! آن هم در حد یک فصل کامل تا صفحه ۴۲ کتاب و سایر فصول؛ درحالی که تمام آنچه به رسانه و اثر رسانه‌ای به طور خاص و مشخص اختصاص یافته است صرفاً در صفحات ۴۲ تا ۴۹ می‌باشد.

• برای بند ۱-۶ فصل اول که از صفحه ۴۲ کتاب شروع می‌شود، عنوان «آفرینش رسانه‌ای» برگزیده شده است که علاوه بر این که این عنوان، بخش اصلی نام کتاب نیز می‌باشد، تنها قسمتی از کتاب نویسنده است که با موضوع آن ارتباط موثر و تنگاتنگ دارد. باین حال در این قسمت نویسنده فقط به ارائه تعریف و انواع رسانه آن هم از منظر علم ارتباطات پرداخته و با وجود عنوان انتخابی، هیچ بحث مشخصی درباره «آفرینش‌های رسانه‌ای» مطرح نشده است!! در همین قسمت نیز نویسنده در صفحه ۴۵ تعریف برگزیده خود از رسانه را برای خواننده مطرح می‌کند که جامع و مانع نیست. لذا، تمام آنچه

فصلنامه نقدکتاب

اطلاعات رسانه‌ای
ارتباطاتسال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۵

۱۳۴

می‌توانسته جوهره اصلی کتاب را تشکیل دهد، در همین چند صفحه خلاصه شده که از هدف اصلی نویسنده و انتظار خواننده فاصله دارد.

• در صفحه ۵۹، نویسنده با ذکر مثال گزارش خبرنگار را اثری شایسته حمایت معرفی کرده است که این امر قابل پذیرش نیست و با هیچ یک از بندهای ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ سازگار نیست.

• در صفحه ۶۴ نویسنده اعلام کرده است: «شاعری که شعر خود را در ذهن آفریده و یا نویسنده‌ای که داستان کوتاهش را در فکر خود خلق نموده و یا روزنامه‌نگاری که متن گزارشش را به‌صورت ذهنی آماده کرده است، همه اثر خود را در خلق نموده‌اند اما اثر هنوز به مرحله اظهار و بیان نرسیده است». در این عبارات ظاهراً نویسنده معتقد است که بیان اثر شرط تحقق آن نیست و خلق اثر ذهنی را نیز تصورپذیر دانسته است؛ درحالی‌که خلق اثر با بیان آن به یکی از اشکال و ابزار ملازمه دارد و خود کتاب نیز این امر را به‌منزله یک شرط تحقق اثر مطرح کرده است. یکی از بدیهیات حقوق مولف عدم حمایت از اندیشه‌ها در قالب حقوق مولف است. سوای آن‌که، باردیگر نیز گزارش خبرنگار اثر نامیده شده است، در ادامه مطلب نویسنده مذکور اعلام کرده است بعضی از آثار، بدون قالب مادی ایجاد می‌شوند که نادرستی آن به بحث بیشتر نیاز ندارد.

• نویسنده در بند ج صفحه ۶۷ با عنوان «عدم مغایرت با اخلاق حسنه و نظم عمومی» معتقد است این امر یکی از شرایط اثر دانستن، فعالیت و دستاورد بشری است. در این زمینه نباید فراموش کنیم که «عدم مغایرت» نمی‌تواند شرط وجودی تلقی شود بلکه مغایرت داشتن با تحلیل نویسنده، حداکثر مانع اثر دانستن دستاورد تلقی می‌شود؛ اما حتی چنین نیست. در ماده اول قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸، اثر صرف‌نظر از محتوای آن، اثر دانسته نشده است؛ درحالی‌که در کشورهای دیگر چنین حکمی پذیرفته شده است. چگونه می‌توان ساختن مجسمه انسانی برهنه را در جامعه ایران خلق اثر دانست درحالی‌که چنین سازه‌ای تحت تعقیب کیفری قرار می‌گیرد؟!

• در صفحه ۶۸، نویسنده شرایط شکلی یا فرعی حمایت را مطرح کرده است و ذیل عنوان ۲-۱-۲ می‌نویسند: «غالب این شرایط اختیاری بوده ...» سؤال این است اگر رعایت امری اختیاری باشد چگونه می‌توان آن را شرط حمایت دانست؟!

• اعلام اختیاری بودن ثبت نرم‌افزار رایانه‌ای در صفحه ۷۱، کاملاً خلاف ماده ۸ قانون حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹ می‌باشد.

• نویسنده در صفحه ۷۱ اعمال حکم ماده ۲۲ قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ را به معنای مشروط بودن حمایت قانونی به پخش یا اجرا یا انتشار اثر در ایران دانسته است. واقعیت این است که نویسنده میان شرایط اثر دانستن دستاوردهای بشر با شرایط حمایت قانونی در حقوق ایران تمایز قایل نشده است. حکم ماده ۲۲ قانون ایران صرفاً اعلام محدودیت در حمایت از حقوق مالی، نه همه حقوق

مولف، می‌باشد و با «اثر» بودن یا نبودن کار پدیدآورنده ارتباط ندارد.

• نویسنده در ادامه از شرایط شکلی یا فرعی حمایت از اثر به «درج مشخصات بر روی اثر» اشاره کرده است. (صفحه ۷۳). معلوم نیست چگونه این ملازمه احراز شده است؟ مبنای قانونی مشروط کردن حمایت به چنین امری چیست؟ در قوانین ایران، هرگز چنین شرطی برای اثر دانستن یا حتی برقراری حمایت قید نشده است.

• آنچه در بند ۲-۱ مندرج در صفحه ۷۵ کتاب با عنوان «موضوع حمایت»، آورده شده است مجموعه‌ای از مطالب کم ارتباط با هم و با بحث کتاب است. حداقل انتظار خواننده کتاب این است که در این موقعیت، آثار رسانه‌ای که نویسنده به دنبال بیان حقوق مترتب بر خلق آنهاست، مطرح شود که باز چنین نشده است. در این قسمت و ادامه آن بحث‌های پراکنده و کلی راجع به تمام مقولات حقوق مولف آورده شده است که در حد انتظار خواننده متعارف و به طریق اولی خواننده متخصص، نیست.

• در بحث آثار سینمایی، نویسنده از عنوان اثر دیداری - شنیداری استفاده کرده، بدون آن‌که آن را تعریف و مشخص کند با چه معیاری و چرا پدیدآورنده این‌گونه آثار این یا آن دسته از افراد هستند. درحقیقت موضوعی کاملاً مرتبط با موضوع کتاب در این قسمت به صورت گذرا مطرح شده و پاسخ جدی به سوالات احتمالی داده نشده است.

• اعلام سکوت قوانین ایران درباره بخشی از آثار و نرم‌افزارهایی که در دوره استخدام فرد خالق اثر، خلق می‌شوند و پیشنهاد استفاده از قواعد کامن‌لا در صفحه ۹۱، صحیح نیست. احکام پراکنده موجود در قانون کار و قانون مطبوعات، در این زمینه مفید و موثر هستند و حقوق ایران را از وضعیت ساکت بودن نسبت به موضوع خارج می‌کنند (محمدی، ۱۳۸۶، صص ۴۵۷ و بعد).

• اعلام این مطلب که آثار ادبی به معنای خاص پس از بیان آنها به‌وسیله پدیدآورنده یک مرحله دیگر دارند، تا اثر محسوب شوند (بند ۳ صفحه ۹۳)، قابل تأیید نمی‌باشد، زیرا آن‌گونه که ماده اول قانون حمایت اشاره کرده است، داشتن شکل و ابراز اثر به یکی از شیوه‌های بیان برای شکل‌گیری و پیدایش اثر به‌لحاظ قانونی کفایت می‌کند و آثار ادبی به معنای خاص نیز از این قاعده استثنا نشده‌اند

• این مطلب که «حقوق مادی آثار فکری لزوماً ارزش اقتصادی ندارند» (انتهای صفحه ۱۰۰) و استناد به ماده ۷-۲۲ قانون مالکیت فکری فرانسه، نادرست است، زیرا مادی نامیدن این حقوق ناشی از آثار اقتصادی آنهاست و تمایز میان حقوق مالی و مادی در همین عبارت و براین اساس، پذیرفتنی نیست. حکم ماده استنادی قانون فرانسه نیز دقیقاً خلاف استنباط نویسنده را تقویت و اعلام می‌کند امری که ارزش مالی دارد می‌تواند مجانی واگذار شود.

• معادل دانستن حق عرضه و حق نمایش در صفحات ۱۰۷ و ۱۰۸ درست نیست؛ زیرا حق نمایش یکی از زیرمجموعه‌های حق عرضه معمولی است که با وجود اهمیت داشتن آن، دست کم در برخی آثار هرگز نمی‌تواند جایگزین حق عرضه به کار گرفته شود.

در حق عرضه علاوه بر حق نمایش عمومی، حق عاریه و اجاره اثر، روخوانی اثر، پخش اثر با استفاده از ابزار مختلف مانند رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و غیره وجود دارد. • قانون مالکیت فکری ۱۹۹۲ فرانسه ماده ۱۸ ندارد (صفحه ۱۰۹).

• در کتاب، حقوق فرانسه زیرمجموعه نظام «حق مولف» معرفی شده است ولی در صفحه ۱۱۵ عبارت «مفهوم حداقلی انتقال کپی رایت» با ارجاع به کتاب پاسکال از عبارت «کپی رایت» استفاده شده است که مخصوص نظام کامنلا و دیدگاه کپی رایت است و ارتباطی با حقوق فرانسه ندارد.

• ترجمه ماده ۱۶ قانون انگلستان در ابتدای صفحه ۱۱۶ صحیح به نظر نمی‌رسد و درست آن است که گفته شود «در انگلستان اقتباس از آثار در نتیجه حمایت و کپی رایت فیلم محدود نمی‌شود بلکه به عنوان زیرمجموعه آثار ادبی، نمایشی، موسیقی یا هنری، ممنوع است» (محمدزاده، محمدی، ۱۳۹۰، صص ۲۰۵ و ۲۰۶).

• بحث حق تعقیب (صفحه ۱۱۷) که مخصوص آثار هنری خاص است، با مقولات بررسی شده در کتاب ارتباط ندارد و ضرورتی به ذکر آن نبوده است. این حق به تعداد اندکی از آثار محدود است و در حقوق ایران پذیرفته نشده است (وی وان و بروگیه، ۲۰۰۹، صص ۳۰۳ و بعد).

• در صفحه ۱۲۰ امکان استفاده از مقالات یک روزنامه یا مجله برای استثنا، بر حمایت حقوق مالی مولف ذکر شده است که صحیح نیست و در قوانین و کنوانسیون‌ها چنین استثنایی به این شکل دیده نمی‌شود.

• در صفحه ۱۲۴ اعلام شده است؛ با وجود ماده ۲۲ قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸ حقوق معنوی اتباع ایرانی که در خارج اجرا یا منتشر شده‌اند، به رسمیت شناخته شده است؛ در حالی که ماده ۲۲ با مشروط کردن حمایت از حقوق مالی، هیچ محدودیتی و حمایت از حقوق معنوی آثار خارجی اتباع ایرانی یا غیر ایرانی قائل نشده است.

• در صفحه ۱۲۶ نویسنده اعلام کرده است «در قوانین فعلی اشاره‌ای به حق انتشار و افشای اثر نشده است» که سوای نادرستی بودن به کار بردن دو حق مالی و معنوی به جای هم، این عبارت مطابق قانون نیست؛ زیرا ماده ۱۹ قانون سال ۱۳۴۸ نشر اثر دیگری بدون مجوز را جرم معرفی کرده و این امر به معنای شناسایی این حق برای پدیدآورنده است. • ایراد وارده به تبصره ۱ ماده ۶۲ قانون تجارت الکترونیکی در صفحه ۱۴۶ صحیح نیست؛ زیرا حقوق مجاور و مرتبط به صراحت در قانون ترجمه و تکثیر نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ پذیرفته شده‌اند و پیش از این قانون نیز در حقوق ایران سابقه داشته‌اند.

• در بحث قالب‌های قراردادی که از صفحه ۱۶۵ شروع شده است، نویسنده کمترین اشاره‌ای به منابع معتبر موجود و تحلیل‌های قانون مدنی در بحث قراردادهای حقوق ایران نداشته و این بحث به گونه‌ای سطحی و محدود، مطرح شده است.

۲- ناگفته‌های ظاهر

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، این کتاب، کاستی‌های جدی و غیرقابل چشم‌پوشی فراوانی دارد که نبودشان بر آنچه هست، سایه‌گستر شده است.

• در کتاب، مکرر دو نظام حقوقی «کپی‌رایت» و «حق مولف» رودرروی هم قرار گرفته‌اند، که امر درستی است، اما خواننده هیچ بحث مستقلی درباره اصول و مرزهای این دو نظام و ویژگی‌های ممتاز هریک نمی‌یابد. جا داشت نویسنده جایگاه این دو نظام را دست‌کم در بحث موضوع تحقیق به‌خوبی توضیح دهد.

• در تمام کتاب بخشی عمیق درباره مفهوم «آفرینش رسانه‌ای» و مصادیق آن، شرایط و اوصاف و وجوه تمایز آن نسبت به سایر آفرینش‌ها و آثار و تشابه آن با سایر آثار دیده نمی‌شود. روشن است نام کتاب چنین انتظار به‌جا و شایسته‌ای را در خواننده ایجاد می‌کند. با مطالعه کامل این کتاب، خواننده معمولی یا متخصص در این حوزه، متوجه نمی‌شود چه آثاری رسانه‌ای نامیده می‌شوند و تفاوت آنها با سایر آثار چیست! ذکر چند صفحه محدود درباره «رسانه»، ما را از یافتن سوال و پاسخ نویسنده باز نمی‌دارد. در پایان کتاب نمی‌توان فهمید که منظور نویسنده کدام آثار خاص بوده، و وجه تمایز و شرایط و احکام آنها چیست؟

• به مصادیق اثر رسانه‌ای و مقایسه این آثار متنوع با همدیگر حتی اشاره نشده است و این نقیصه به تنهایی تمام فایده کتاب را زیر سوال می‌برد.

• آیا رسانه‌ها به صرف انتقال آثار به جامعه، از حقوق مولف یا کپی‌رایت برخوردارند یا همان‌گونه که درباره رسانه‌های پخش صدا و تصویر پذیرفته شده این اشخاص فقط صاحب حقوق مرتبط می‌باشند؟ این سوال اساسی در کتاب بی‌پاسخ می‌ماند.

• در بحث پدیدآورنده فیلم‌ها، نویسنده کوشش چندانی برای ذکر و تحلیل دیدگاه‌های غالب جهانی و ایران انجام نداده، به ذکر کلیات مختصری که دقت چندانی در بیان آنها دیده نمی‌شود، بسنده کرده است. خود مفهوم فیلم، اوصاف، شرایط و ویژگی‌های آن با وجود اهمیت فراوان، مطرح نشده است و همین وضعیت درباره سایر آثار دیده می‌شود.

• به‌دلیل عدم وجود نظم مشخص در پایان نمی‌توان دریافت حقوق کشورهای مورد مطالعه در زمینه‌های مختلف و مرتبط با بحث چه احکام و قواعدی دارند. جا داشت نویسنده حقوق کشورهای مورد مطالعه را به تفکیک و تحت عناوینی مشخص در مباحث مختلف مطرح کند.

• در بررسی حقوق ایران نیز نویسنده کوشش و دقت کافی را در ذکر تمام فروع و جزئیات به‌کار نبرده است.

• درحالی‌که بسیاری از مطالب ذکر شده در کتاب از جمله مبانی شرعی، پیشینه حقوق مالکیت فکری و حقوق مرتبط ضروری نبوده‌است و حذف آنها با شرایط فعلی، به اصل مطلب خلل وارد نمی‌کند، مباحث و مطالبی مانند مدت حمایت و تفاوت این مدت در آثار موضوع تحقیق، نقش شرکت‌های اداره جمعی که به‌ویژه در حوزه آثار سینمایی و

فصلنامه نقدکتاب

اطلاع‌رسانی
ارتباطاتسال سوم، شماره ۹
بهار ۱۳۹۵

۱۲۸

تلوویزیونی به منزله موضوعات عمده این تحقیق فعالیت می‌کنند، انتقال قهری حقوق مالی و حتی معنوی و چگونگی اجرای آنها و بسیاری از مباحث دیگر که تابع بحث مطرح در کتاب بوده‌اند، ذکر و تحلیل نشده‌است.

• عدم شماره‌گذاری مطالب و بندهای کتاب و عدم تفکیک بحث‌های اصلی و فرعی، ایراد جدی است که رعایت آن در چاپ‌های بعدی توصیه می‌شود.

نتیجه

انتشار کتاب به‌وسیله ناشران دانشگاهی موجب اعتماد زیاد جامعه بر این آثار از حیث اعتبار آنها می‌شود. کتاب «حقوق مالکیت فکری آفرینش‌های رسانه‌ای» در انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) منتشر شده ولی با مطالعه آن، بی‌دقتی و عدم نظارت و داوری مناسب در انتشار آن مشهود است. شاید به دلیل اصرار بیش از حد و وابسته کردن پیشرفت علمی و عملی متخصصان این مرز و بوم به عرضه آمار و فهرست بلندبالا از نوشته‌های علمی خود، موجب پیدایش نهضتی برای نوشتن شده و این نهضت ممکن است، صدمات شدیدی بر علم وارد کند. محتوای این کتابی که نقد می‌شود، درمجموع چندان توجهی به عنوان خود ندارد و به نظر می‌رسد به لحاظ ایرادهای شکلی و محتوایی و اضافات و کاستی‌های آن، نمی‌تواند انتظار خوانندگان را برآورده سازد. ضمن امید به این‌که نویسنده جوان و پرشور کتاب به فکر بازبینی و اصلاح آن در چاپ‌های بعدی برآید، باردیگر اعلام می‌کنم که تمام مطالب مذکور با این امیدواری و به انگیزه اصلاح امور ذکر شده است و این مطالب نظرهای علمی شخص نقاد بوده و لزوماً بر کتاب مذکور وارد نیستند. درمجموع به نظر نمی‌رسد این کتاب با همه زحماتی که بر دوش نویسنده گذاشته است، توانسته باشد به اهداف منظورنظر؛ ازجمله «تدوین نظام جامع حقوق داخلی» دست پیدا کند و به نظر می‌رسد با پایان گرفتن صفحات کتاب، وقتی خواننده صفحه ۲۰۱ آن را ورق می‌زند، نمی‌تواند به این سوالات پاسخ دهد که «آفرینش‌های رسانه‌ای» کدام آثار هستند و وجه افتراق و اشتراک آنها با همدیگر و با سایر آثار چیست و سرانجام احکام ممتاز این دسته از آثار کدام‌هاست و احکام حقوق ایران در مقایسه با نظام حقوقی سایر کشورها و نظام بین‌المللی چه ارتباط و فاصله ای دارد و

پی‌نوشت

1. Mehryar1381@yahoo.com
2. www.afkarnews.ir (21/12/1395)
3. www.lj.ir

منابع

رئیزی، لیلا. (۱۳۹۲). نظام حل و فصل اختلافات حقوق مالکیت معنوی. چاپ دوم. تهران: جنگل.

زرکلام، ستار. (۱۳۸۷). حقوق مالکیت ادبی و هنری. چاپ اول. تهران: سمت.

سالارپور گل ختمی، اکرم. (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی نقض حقوق پدیدآوردگان آثار ادبی و هنری در نظام حقوقی ایران و انگلستان. چاپ اول. تهران: جاودانه و جنگل.

صادقی نشاط، امیر. (۱۳۸۹). حقوق پدیدآوردگان نرم افزارهای کامپیوتری. چاپ دوم. تهران: بنیاد حقوقی میزان.

غفوری، زینب. (۱۳۸۹). حمایت از نموده های فرهنگ عامه (فولکلور) در حقوق مالکیت فکری. چاپ اول. تهران: جنگل.

کاظمی، امین. (۱۳۹۲). تعامل حقوق مالکیت فکری و نفع عمومی. چاپ اول. تهران: جاودانه و جنگل.

محمدزاده، علیرضا، محمدی، پژمان. (۱۳۹۰). فرهنگ تطبیقی حقوق مولف و کپی رایت. چاپ اول. تهران: دانشگاه تهران.

محمدی، پژمان. (۱۳۸۶). قراردادهای بهره برداری از حقوق مولف. تهران: دادگستر.

محمدی، رافونه. (۱۳۹۲). نظام حقوقی حاکم بر مدیریت جمعی مالکیت فکری. چاپ اول. تهران: انتشارات جاودانه، جنگل.

ملک محمدی، حمیدرضا (مترجم). (۱۳۸۶). حقوق رسانه. چاپ اول. تهران: میزان.

مهدی زاده، حسین. (۱۳۸۹). ثبت آثار ادبی و هنری. چاپ اول. تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.

Aplin, Tanya, Davis, Jennifer, (2009) **Intellectualproperty law**, London, oxford.

Porter, Vincent, (1991) **Beyond the Bern convention**, London, John Libbey & company Ltd.

Sterling, J. Al, (1999) **Word Copyright Law**, Sweet & Maxwell.

Torremans, Paul, (2008) **Intellectual property law**, London, Oxford.

Vivant, Michel, Brugiere, Jean, Michel, (2009) **Droit d'auteur**, Paris, Dalloz.

